

# ۶- تنظیم قرارداد های بین المللی در جمهوری اسلامی ایران

(۱)

مقدمه :  
○○○○○○○○○○○○○○

تنوع کا لاکه در اکثرش و تکامل تکنولوژی حاصل گردیده ، احتیاجات تازه ای بوجود آورده و همواره ناگزیر از رفع این نیازهای نوین نموده است . امروزه بر هیچ ملتی میسر نیست که خود را بی نیاز از زپدیده ها و آورده های علوم و فنون جدید در سطح جهانی بداند . پیشرفت کشورهای صنعتی در تولید و ساخت برخی کالاها و به انحصار در آوردن این اقلام ، دول دیگر جهان را ناچار به برقراری ارتباط تجاری و اقتصادی با آنها کرده است . تاثیر این نوع ارتباطات بین المللی در سیاست خارجی و حتی داخلی طرف مبادله یک امر بدیهی است و عدم دقت در تنظیم قرارداد چه بسا موجب تسلط کشور قدرتمند بر کشور طرف قرارداد می گردد . از این رو دولت های جهان بر آن شده اند که مبادلات مهم و اساسی را "عهد- دار شده و در بقیه معاملات با وضع مقررات صادرات و واردات و دیگر مقررات لازم نظارت دقیق و کامل داشته باشند .

نظربه اینکه پیش بینی جمیع موارد لازم و بالخصوص مسائل حقوق تجارت بین الملل مورد نظر نظام حقوقی کشور در حین انعقاد قرارداد های اقتصادی امکان پذیر نیست ، ارائه طرح نسبتا " جامع که رهس اصلی و اساسی این قبیل قراردادها را نشان بدهد و مسئولین ، مجریان و حتی کارشناسان حقوقی را در تنظیم متون مربوطه یساری دهد مفید بنظر آمده است .

## فصل اول - کلیات

بخش اول - تعاریف :

.....

تمیز قرار دادهای بین المللی ز سایر معاهدات و موافقتنامههای بین المللی مری بسیار ضروری است و برای آنکه ماهیت حقوقی اصطلاحات نزدیک بهم روشن شوندنا گزیرا زارائه تعریف هر کدام و مشخص کردن حیثه قانونی آنها هستیم :

۱- توافق بین المللی ( International Agreement ) :

.....

توافق بین المللی یک نوع عمل حقوقی است که از تراضی دو یا چند جانبه کشورها و یا سایر زمانهای بین المللی ایجاد گردد و مشمول حقوق بین الملل باشد .  
(۱)

عناصر این تعریف عبارت است از :

- هیچ شرط صوری از قبیل کتبی بودن برای توافق بین المللی لازم نیست ، بنا بر این ممکن است توافق بین المللی شفاهی و یا حتی بطور ضمنی بعمل آمده باشد .  
(۲)

- مشمول حقوق بین الملل است و خارج از حاکمیت حقوق داخلی یک کشور معین می باشد .

- 
- (۱) - سید حسین عنایت " تنظیم معاهدات بین المللی در حقوق کنونی ایران " مجله حقوقی ، دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران ( شماره ششم تابستان و پاییز ۶۵ ) ص ۷۶ .  
(۲) - سید حسین عنایت ، همان ص ۷۶ .

— میان اشخاص موضوع حقوق بین الملل منعقد می‌گردد، اشخاص خصوصی صلاحیت انعقاد این توافق‌نامه‌ها را ندارند.  
— توافق بین المللی یک عمل حقوقی چندجانبه است و بطوریکه آنجا نبه  
موجد آثار حقوقی نمی‌گردد.

## ۲- معاهده بین المللی (Treaty) :

معاهده بین المللی نوعی توافق بین المللی است که بصورت  
کتبی بین تابعان حقوق بین الملل منعقد شده و مشمول حقوق مزبور  
باشد. معاهده<sup>۱</sup> بین المللی خصوصیات زیر را داراست :

— کتبی بودن معاهده بین المللی

اصل کتبی بودن معاهده بین المللی الزامی است ولی شکل انجام  
آن با نظر کشورهای امضاء کننده تعیین می‌گردد (ماده ۱۱ کنوانسیون  
وین ۱۹۶۹ در مورد حقوق معاهدات). برخی از معاهدات را بصورت رسمی  
و طی تشریفات و مراحل طولانی تنظیم می نمایند و برخی دیگر را بدون  
تشریفات مفصل و بصورت ساده و با سرعت تهیه و امضاء می کنند.

— انعقاد معاهده میان تابعان حقوق بین الملل است.

برای آنکه عمل حقوقی چندجانبه‌ای معاهده نامیده شود، لازم است  
که طرفهای آن دولت‌ها و یا سازمان‌های بین المللی باشد. لذا  
موافقت‌هایی که بین یک دولت از یک طرف و قوم و یا جمعیت و یا

قبیله‌ای که از نظر بین المللی هویت مستقل ندارند از طرف دیگر حاصل  
گردد، معاهده بین المللی نیست و توافق بین المللی نیز محسوب نمی‌گردد.  
(۱)

---

(۱) — سید حسین عنایت، همان، ص ۷۸.  
توافق با یک قبیله یا بعضی از اقوام و طوایف در حقوق اسلامی  
معاهده محسوب شده است (عباسعلی عمیدزنجانی، حقوق اقلیتها  
تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۲) ص ۷۹.

- تبعیت معاهده از قواعد حقوق بین الملل

معاهدات بین المللی از شمول مقررات حقوق داخلی یک کشور

معین خارج بوده و همیشه تابع قواعد حقوق بین الملل است .

- دویا چند جا نبه بودن معاهده

تعهد یک دولت بدون آنکه قبلاً "روی پیشنها دخاصی توافق و تعهدی

حاصل شده باشد نه توافق بین المللی است و نه معاهده بین المللی .

بنا بر این حتی اگر دولت اقدامات مشابهی در یک زمینه اتخاذ کنند

بدون آنکه راجع به موضوع خاصی به توافق برسند معاهده بین المللی

بوجود نمی آید .

(۱)

معاهده در حقوق ایران بردونوع است :

نوع اول - معاهدات رسمی ( Treaty )

معاهده رسمی معاهداتی است که با انجام تشریفات کامل

(۲)

بین مقامات صلاحیت دار تدوین معاهدات دویا چند کشور منعقد می شود و

برای طرفین، حقوق و تکالیفی را بوجود می آورد، تشریفات مورد نظر

حقوق ایران جهت انعقاد معاهدات رسمی بترتیب زیر است :

" انجام مذاکرات " (Negotiation)

انجام مذاکره برای انعقاد معاهده در صلاحیت قوه مجریه

است و به نماینده ای که از سوی قوه مجریه جهت مذاکره انتخاب می گردد

اعتبارنامه ای <sup>\*</sup> داده می شود. اعتبارنامه ها را معمولاً " نخست وزیر و

یا وزیر امور خارجه صادر می نمایند، بعضاً " هم دادن اعتبارنامه به

مقام اجرائی موکول به تصویب هیأت وزیران است . اگرچه امضای

نهایی معاهدات با توجه به اصل ۱۲۵ قانون اساسی با شخص ریاست جمهور

(۱) محمدرضا ضیائی بیکدلی، حقوق بین الملل عمومی ، چاپ دوم ،

(تهران : رشدیه ، ۱۳۶۳) ص ۷۸ و ۷۹ .

(2) - Treaty Making Power.

\* - Full Power

است، اما شخص ایشان چون فاقد سمت اجرائی است در انجام مذاکره برای انعقاد یک معاهده شرکت نمی‌نماید. جدا بودن مرحله امضای مقدماتی و نهایی معاهدات منطبقاً "اقتضای دارد که ریاست جمهوری در مذاکره و امضای مقدماتی معاهده شرکت نداشته باشد.

استانداریهای کشور برخلاف آنچه در کشورهای فدرال دیده می‌شود، حق مذاکره برای انعقاد معاهدات را ندارند، و آنچه بعضی استاندارها در زمینه روابط تجاری با استاندارهای کشور همجوار منعقد می‌نمایند معاهده بین المللی نیست بلکه فقط یک تفاهن نامه اجرائی (Executive Agreement) می‌تواند باشد و لذا اجرای این نوع توافقها موکول به تصویب مجلس شورای اسلامی نیست.

(۱)

(۲)

"امضای مقدماتی معاهده" (۳)

نماینده صلاحیتدار که دارای اعتبارنامه است با امضاء سند معاهده تعهد اولیه را برای کشور متبوع خود ایجاد می‌کند هرگاه در امضای مقدماتی معاهده تشریفات قانون اساسی مراعات نشده باشد، قوه مجریه متعهد می‌گردد که اقدامات لازم را جهت انجام تشریفات تصویب معاهده فراهم کند. .

درست است که انجام مذاکره مقدماتی و امضای سند اولیه توافق در صلاحیت قوه مجریه است ولی در مواردی که مذاکره با دولتی شروع شود اما قبل از حصول نتیجه نهایی روابط سیاسی ایران با آن کشور قطع گردد و نیز در مسائل مهم مملکتی، دولت با تقدیم لایحه‌ای به مجلس

- (۱) - قانون تقسیمات کشوری مصوب سال ۱۳۶۲.
- (۲) - "پروتکل تجاری بین استان آذربایجان غربی ایران و استان آغری ترکیه" در تاریخ ۶۵/۵/۱۲ به امضای مقامات استانی دو استان در ارومیه رسیده است (روزنامه اطلاعات مورخ ۶۵/۵/۱۳)
- (۳) - مراد از امضای مقدماتی معاهده، امضاء توافق نامه توسط نماینده صلاحیتدار قبل از تصویب مجلس است، (Signature) و این مرحله غیر از امضای موقت (پاراف) معاهدات می‌باشد که آنرا Initialing گویند.

شورای اسلامی چارچوب و حدود مذاکرات را از قوه مقننه طلب می کند .  
" تصویب معاهدات بین المللی "

پس از مذاکره و امضای مقدماتی ، تصویب معاهدات در سه  
مرحله صورت می گیرد :

مرحله نخست : تصویب معاهده در مجلس شورای اسلامی

نظریه اصل ۷۷ قانون اساسی که مقرر داشته است :

" عهدنامه ها ، مقاوله نامه ها ، قراردادهای و موافقتنامه های  
بین المللی باید به تصویب مجلس شورای ملی برسد " ، تاکنون مجلس  
شورای اسلامی جهت تصویب معاهدات از روشهای زیر استفاده کرده است :  
در یک روش به قوه مجریه در تنظیم و تصویب معاهده وکالت می دهد ، بدین

توضیح که مجلس چارچوب کلی مذاکرات با دولت خارجی را مشخص و به  
قوه مجریه اختیار می دهد که در محدوده تعیین شده موافقتنامه را تنظیم  
و امضاء نماید . البته بعداً " قوه مجریه متن معاهده را به مجلس تقدیم و  
گزارشی نیز از نحوه مذاکرات ارائه می دهد . این رویه بیشتر در رژیم  
سابق ایران معمول بود ولی در جمهوری اسلامی ایران نیز مواردی از  
اعمال این روش دیده می شود .<sup>(۱)</sup>

روش دیگری که جهت تصویب معاهدات بین المللی در مجلس

دنبال می شود ، تصویب معاهدات به صورت تصویب قوانین داخلی است .  
در این روش معاهدات امضاء شده بصورت لایحه به مجلس آورده می شود و  
تشریفاتى که جهت شور ، اصلاح و رای گیری در وضع قوانین داخلی رعایت  
می گردد ، در تصویب معاهدات نیز به اجرا گذاشته می شود .

---

(۱) - مجلس شورای اسلامی امضای بیانیه الجزایر بین ایران و آمریکا  
را در تاریخ ۵۹/۱۰/۱۲ به قوه مجریه اعطاء کرد (مشروح مذاکرات  
مجلس شورای اسلامی مورخ ۵۹/۱۱/۶) ص ۲۷ .

جدیدترین روشی که در تصویب معاهدات بین المللی در مجلس معمول شده است اقدام به تصویب معاهدات طبق یک آئین ویژه است. آئین نامه داخلی مجلس مصوب سال ۱۳۶۲، معاهدات را به معاهدات عادی و مهم تقسیم کرده است. تصویب معاهدات عادی در مجلس بطوریکه شوری است اما در معاهدات مهم رسیدگی بصورت دوشوری می باشد. در روش جدید تصویب معاهدات هیچگونه تغییری در مواد و مندرجات معاهده وارد نمی شود، اگر کلیات معاهده در شورای اول مورد تصویب قرار گرفته ولی از طرف نمایندگان انتقادات و یا پیشنهادهائی ارائه شود، تصویب نهائی معاهده به عهده تعویق افتاده و از قوه مجریه خواسته خواهد شد که با دولت خارجی مجدداً وارد مذاکره گردد. اگر اعتراضات مجلس مورد قبول طرف خارجی قرار گیرد، یک پروتکل الحاقی بین دو دولت تهیه و امضاء خواهد شد که بعداً "جز" اسناد ضمیمه متن معاهده در خواهد آمد.

مرحله دوم : تأیید معاهده در شورای نگهبان

باتوجه به اصل ۹۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که اعلام داشته است :

" کلیه مصوبات مجلس شورای ملی باید به شورای نگهبان

(۱) در معاهدات عادی دو موافق و مخالف حداکثر به مدت ۱۵ دقیقه صحبت کرده و تصویب معاهده به رای گذاشته می شود ولی در معاهدات مهم در شورای اول راجع به کلیات بحث شده و پس از ارائه پیشنهادهای کتبی متن معاهده به کمیسیون ارجاع می گردد. این پیشنهادهای طبق ماده ۱۱۳ آئین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی باید ۲۴ ساعت قبل از طرح در کمیسیون طبع و در بین نمایندگان توزیع شود. در صورت دوم کمیسیون موارد اعتراض و پیشنهادهای نمایندگان و نظر خود را مطرح می نماید و آنگاه درباره موارد اعتراض و پیشنهاد نمایندگان که بطور کتبی در مهلتست مقرر به کمیسیون داده شده باشد، به ترتیب نمایندگی معترض و یک مخالف و یک موافق هر کدام به مدت پنج دقیقه صحبت می کنند و آنگاه در خصوصین وارد بودن و یا نبودن اعتراض اخذ رای می شود (ماده ۱۱۴ آئین نامه مذکور).

فرستاده شود، شورای نگهبان موظف است آنرا حداکثر ظرف ده روز از تاریخ وصول از نظر تطابق بر موازین اسلام و قانون اساسی مورد بررسی قرار دهد و چنانچه آنرا مغایر ببیند برای تجدید نظر به مجلس بازگرداند. در غیر این صورت مصوبه قابل اجرا است."

تأیید شورای نگهبان نسبت به معاهدات منعقد شده بین دولت ایران و دول خارجی قطعی و اجتناب ناپذیر است. هرگاه معاهده تصویب شده در مجلس از نظر شورای نگهبان دارای اشکال باشد، لایحه را به مجلس عودت می‌دهد تا مجلس موارد اشکال را به دولت تذکره دهد و دولت نیز از طریق مذاکره با نماینده کشور خارجی جهت رفع اشکال در متن معاهده اقدام نماید و دوباره متن اصلاح شده را به نظر شورای نگهبان برساند. بدیهی است که شورای نگهبان نمی‌تواند خود چیزی بر متن معاهده بیفزاید و یا آنرا تغییر دهد، زیرا نقش شورای نگهبان از لحاظ اصول قانون اساسی (اصول ۹۱، ۹۳ و ۹۶) نقش استصوابی است.

مرحله سوم: امضاء نهائی معاهده توسط ریاست جمهوری

چون اجرای مفاد معاهده با قوه مجریه است و ریاست این قوه با رئیس جمهور می‌باشد و نیز چون برقراری هماهنگی میان قوا با این مقام کشوری است، قانون اساسی امضاء نهائی عهدنامه‌ها را در اختیار ریاست جمهوری قرار داده و اعلام داشته است:

"امضای عهدنامه‌ها، مقابله‌نامه‌ها، موافقت‌نامه‌ها و قرارداددهای دولت ایران با سایر دولتها و همچنین امضای پیمانهای مربوط به تعاهدیه‌های بین‌المللی پس از تصویب مجلس شورای ملی با رئیس جمهوری نمایندگانی است."

آخرین تشریفات مقرر برای لازم الاجرا شدن معاهدات رسمی



انتشار در روزنامه رسمی و مبادله اسناد تصویب است .

نوع دوم - تفاهم نامه های بین المللی ( Executive Agreements )

برای گریز از مراحل و تشریفات مختلف معاهدات رسمی ، گاه

توافق بین المللی را به شکل ساده تری انجام می دهند ، بدین ترتیب

که به جای مراحل مختلف و تشریفات طولانی تنظیم معاهدات رسمی ،

توافق بین المللی راه زمان مورد مذاکره قرارداد و به امضاء

می رسانند و مبادله اسناد هم بصورت فوری انجام می پذیرد . این نوع توافق

لر به تفاهم نامه بین المللی تعبیر کرده اند .

معاهدات رسمی بنام رئیس کشور منعقد می شود و توسط وی مورد

تصویب نهائی قرار می گیرد ، در حالی که تفاهم نامه ها را مقامات اداری و

اجرائی شخصا امضاء می کنند ، اما از نظر ایجاد حق و تکلیف در دروا بسط

بین المللی هیچگونه تفاوتی بین معاهده و تفاهم نامه وجود ندارد .

اکثر اسنادی که بین مقامات اداری دولت جمهوری اسلامی ایران و سایر

کشورها پس از بازدیدهای رسمی به امضاء می رسد ، تفاهم نامه است ، اعتبار

(۱)

و لازم الاجرا بودن تفاهم نامه ها نباید مورد تردید و انکار باشد ، بنا بر

این مفاد اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی منصرف از این نوع توافق

بین المللی است ، اصل لازم الوفا بودن تعهدات بین المللی اقتضا

دارد که مفاد اصل ۷۷ قانون اساسی منحصر به معاهدات مصوبه مجلس گردد .

اسامی و عناوین مختلف که در مورد تفاهم نامه های بین المللی

مرسوم است ، عبارتند از :

یادداشت تفاهم ، پروتکل ، صورت جلسه مذاکرات ، برنامه های

(۲)

اجرائی ، اعلامیه مشترک و مبادله یادداشت .

(۱) - محمد رضا ضیائی بیگدلی ، پیشین ، ص ۷۹ .

(۲) - عوناوین مزبور تفاهم نامه های بین المللی از لحاظ محتوا و مندرجات تفاوتی با هم ندارند ک : سید حسین عنایت ، پیشین .

البته نباید از آنچه تا کنون گفته شد، چنین تصور شود که معاهدات و تفاهم نامه‌ها از هر حیث یکسان هستند. این دو توافق بین المللی از برخی لحاظ متفاوتهند. موضوع معاهدات مربوط به مسائلی است که خارج از صلاحیت قوه اجرائیه قرار دارد و معمولاً "مربوط به روابط بنیانی دوجانبه بین ایران و کشور خارجی است. اگرچه امضای یا دداشت تفاهم برای دولت مسئولیت سیاسی و حقوقی بوجود می‌آورد ولی مقام اقدام کننده ممکن است از طرف مجلس مورد سؤال قرار گیرد و در این صورت لازم است که دلائل قانع کننده‌ای در پاسخگویی به انتقادات وارد شده ارائه گردد، لیکن معاهده به هر صورت که باشد اعم از عهدنامه، مقاوله نامه، موافقتنامه یا پیمان برای کلیه سازمانهای مملکتی و اجرائی و حتی افراد منشاء حق و تکلیفی می‌گردد. ماده ۹ قانون مدنی ناظر به این موارد است که اعلام می‌دارد:

"مقررات عهدی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد در حکم قانون است."

## بخش دوم - ابعاد سیاسی و اقتصادی قراردادهای بین المللی:

.....

### الف - ابعاد سیاسی

تاثير روابط بين المللی اقتصادی برا مورسیاسی کشور و نقش متقابل سیاست خارجی و حتی سیاست داخلی کشور بر محتوی و نوع روابط اقتصادی یکی از امور بدیهی است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مدخلیت برخی عوامل سیاسی را در برقراری قراردادهای اقتصادی بین المللی مورد توجه قرار داده و احکامی وضع کرده است. با توجه به این قانون، ولویت در انعقاد قراردادهای بین المللی و نیز ممنوعیت تنظیم قرارداد با برخی از دول به شرح زیر مشخص می‌شود (!)

(۱) برای رعایت کامل ولویت‌های مورد نظر در مبانی دلات بازرگانی گمیسیون به ریاست نخست وزیر و با عضویت وزراء امور خارجه، نفت بازرگانی و اقتصاد و دارای تشکیل شده است (قانون مقررات صادرات و واردات سال ۱۳۶۵، ماده ۹).

۱- داشتن روابط اقتصادی با کشورهای مسلمان :

مستنبط از اصل یکم و پنجاه و دوم قانون اساسی این است که در برقراری روابط اقتصادی در قلمرو بین المللی ، کشورهای مسلمان مقدم بر سایر کشورها هستند . البته کشورهای مسلمان نیز یک دست نیستند ، برخی از ممالک اسلامی بعلت داشتن وابستگی شدید به قطب استعمارویا داشتن هدف سلطه جوئی ویاستمگری ، همردیف کشورهای غیرمسلمان شمرده می شوند .

۲- داشتن روابط اقتصادی با کشورهای دوست غیرمسلمان :

اولویت دوم در انعقاد قراردادهای اقتصادی با کشورهای اولویت است که علیرغم مسلمان نبودن ، مردم آن با ما دوست هستند و در صدد داشتن روابط تجاری با ما بر می آیند ، بدون آنکه هدف سلطه جوئی ویاستمگری بر ما را داشته باشند .

۳- داشتن روابط اقتصادی با کشورهای غیرمسلمان که دوست نیستند ولی قصد سلطه جوئی نیز ندارند :

نظریه مفاد بند ۱۸ از اصل ۴۳ قانون اساسی بنظر میرسد داشتن روابط اقتصادی با کشورهای که کافر هستند ولی قصد تسلط وستم بر ما را ندارند ویاتوان تسلط و ظلم بر ما را ندارند ، ممنوع نگردیده است .  
۴- ممنوعیت داشتن روابط اقتصادی با کشورهای که با جمهوری اسلامی ایران دشمنی می ورزند .

حسب روح اصول ۳۰۲ و ۴۳ قانون اساسی که نمایندگان نیز در مجلس اظهار می دارند و قوه اجرائیه نیز در عمل مراعات می نماید ،

- 
- (۱) - قانون مقررات صادرات و واردات سال ۱۳۶۵ ، ماده ۸ .  
(۲) - موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی ، مجموعه قوانین و مقررات صادرات غیر نفتی کشور (تهران : موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی ، ۱۳۶۵) ، ص ۱۳۰ به بعد .

داشتن روابط اقتصادی و انعقاد قرارداد با کشورهای که دشمن محسوب می شوند اعم از دشمن بالقوه و ایدئولوژیکی مثل اسرائیل و آفریقای جنوبی و یا دشمن بالفعل ممنوع است .<sup>(۱)</sup>

## ب- ابعاد اقتصادی

بحث تفصیلی ابعاد اقتصادی قراردادهای بین المللی از موضوع این مقاله خارج است ، ولی اهم نکات اقتصادی قراردادها که از لحاظ حقوق فعلی ایران رعایت آنها ضروری است موارد ذیل می باشد :

– جلوگیری از سلطه بیگانگان بر منابع اقتصادی

اصل یکم دو پنجاه و سوم قانون اساسی اعلام داشته است :

" هرگونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و

اقتصادی ، فرهنگ ، ارتش و دیگر شئون کشور گردد ممنوع است ، و در اصل

دوم قانون اساسی نفی سلطه گیری و سلطه پذیری ز راههای رسیدن به کرامت

و ارزش والای انسان بشمار رفته است . بندها اصل سوم قانون اساسی طرد

کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ جانب رایکی از وظایف و اهداف جمهوری اسلامی

ایران شناخته مقرر داشته است که دولت در این راه از همه امکانات خود استفاده کند .

– پی ریزی شالوده اقتصادی صحیح بر پایه ضوابط اسلامی

– برنامه ریزی برای قطع وابستگی اقتصادی و نیل به خودکفائی

جهت رسیدن به استقلال سیاسی و حتی فرهنگی ، استقلال نسبی

اقتصادی لازم است و برای آنکه کشور به سمت خودکفائی سوق داده شود

---

(۱) - ماده ۱۴ آئین نامه اجرائی قانون مقررات صادرات و واردات

سال ۱۳۶۵ .

ضرورت دارد که در انعقاد قراردادها، اولاً " اصلت را به کالاهای زیربنائی و اساسی بدهند، ثانیاً مدت قرارداد را بیش از حد طولانی قرار ندهند که منجر به وابستگی گردد، ثالثاً " در صدور کالاهای تشریفاتی سهل تری را لازم رعایت کنند و از سیاستهای تشویقی استفاده نمایند. (۱)

– تعیین کالاهای صادراتی و وارداتی طرفین با توجه به توانائیهای موجود هر کدام

– لزوم تولید کالای وارداتی در کشور طرف مقابل و تطبیق آن با استانداردهای بین المللی

– مشخص شدن کمیت و کیفیت کالاهای وارداتی هر طرف

– مقدمات طرفین در رابطه با ارائه خدمات فنی لازم در استفاده از کالا در صورت لزوم

– اولویت دادن به کالاهای سرمایه‌های و واسطه‌ای در رابطه با واردات

– ایجاد زمینه رشد برای کالاهای صادراتی

– توسعه بازارهای صادراتی

– قطع وابستگی کشور به صادرات نفتی

(ادامه دارد)

---

(۱) – قانون مقررات صادرات و واردات سال ۱۳۶۵، ماده ۱۳.